



## موضوع:

بررسی شفاعت از دیدگاه قرآن با توجه به مقایسه آراء  
تفسیری مذاهب اسلامی

## استاد راهنما:

دکتر محسن میرباقری

## استاد مشاور:

دکتر مجید معارف

## تهیه و تنظیم:

حبیب الله محمدزاده

الحمد لله  
البرحمين!

## تقدیم به :

اساتید محترم دانشکده اصول دین تهران که در تهیه این پایان نامه ،  
لحظه به لحظه اینجانب را راهنمایی و مساعدت نمودند و تقدیم به دختر  
عزیز تر از جانم ((کانیا)).

## چکیده:

در بحث شفاعت، باید گفت یکی از واژه‌هایی که زبانزد عام و خاص است و حتی ورد زبان غالب مردم جهان از ملت‌های مختلف و مذاهب و ادیان گوناگون با اشکال مختلف و گوناگونی است، واژه شفاعت، شفیع و شافع است، مخصوصاً عقیده به شفاعت به اندازه‌ای در میان مسلمانان خصوصاً شیعه رسوخ کرده که هر کجا برویم و از هر کسی بپرسیم این عقیده را از عقاید مسلم خویش به حساب می‌آورد.

در این پایان‌نامه سعی شده است که بحث شفاعت به طور جامع بیان گردد، لذا ابتدا به مباحث لغوی شفاعت و محورهای وابسته به آن پرداخته و این که شفاعت از منظر گذشتگان و آیات و روایات قرآن کریم چگونه بیان شده است و همچنین بحث در مورد این که آیات مربوط به شفاعت کدامند؟ و چه ارتباطی با آن دسته آیات دارند که مسأله شفاعت را نفی می‌کنند، بیان و تشریح فضای آیات مربوط به شفاعت، شرایط تأثیر شفاعت و شرایط شفاعت شونده و شفاعت کننده و بیان این که شفاعت کنندگان چه مواردی هستند؟ در این پایان‌نامه، مورد بحث، بررسی و تحقیق قرار گرفته است.

## واژگان کلیدی:

شفاعت، شیعه، قرآن کریم، روایات، پیامبر اکرم (ص)، ائمه ی اطهار،

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول: کلیات مفاهیم

۲	مقدمه
۴	۱. تبیین مسأله
۵	۲. ضرورت بحث
۷	۳. پیشینه بحث
۸	۴. سوالات و فرضیه ها
۹	۵. روش کار و تحقیق
۹	.شفاعت از نظر لغوی و اصطلاحی
۱۱	دیدگاه علمای شیعه در موضوع شفاعت
۱۹	منابع شیعه درباره شفاعت
۳۲	گستره شفاعت از نظر تکوینی و تشریحی
۳۴	شفاعت غلط و شفاعت صحیح
۴۰	شفاعت در دنیا، برزخ و آخرت

## فصل دوم: شفاعت کنندگان، شفاعت شوندگان و شرایط هر کدام

- ۴۴ ۱- شفاعت کنندگان براساس آیات و روایات
- ۴۹ ۲- شرایط شفاعت
- ۵۳ ۳- محرومان شفاعت
- ۵۳ نقل بعضی از اشکالات مطرح شده در شفاعت و نقد و پاسخ به آن
- ۵۸ فرق بین شرک و استشفاع

## فصل سوم: نقد و بررسی دیدگاههای وهابیان، اشاعره و معتزله

- ۶۱ ۱- موارد اتفافی در موضوع شفاعت
- ۶۲ ۲- موارد اختلاف از نظر وهابیان
- ۶۳ نقد و بررسی نظر وهابیان
- ۶۶ صحابه و درخواست شفاعت بعد از وفات پیامبر (ص)
- ۶۷ دلایل وهابیان بر عدم جواز
- ۸۳ بررسی دیدگاه معتزله در مساله شفاعت
- ۸۴ نقد ادله معتزله
- ۹۴ مفهوم شناسی شرک و کفر در نظر وهابیان
- ۹۸ معیار شرک
- ۹۹ نقد افکار وهابیت در مورد شرک
- ۱۰۱ پیشنهاداتی در زمینه برخورد با وهابیان
- ۱۰۴ نتیجه گیری
- ۱۰۷ منابع و ماخذ

# فصل اول

## کلیات مفاهیم

## مقدمه

یکی از مزایایی که خداوند تبارک و تعالی به مؤمنان اختصاص داده است این است که اگر شخص مؤمن ، ایمان خودش را تا هنگام مرگ حفظ کند و مرتکب گناهی نشود که باعث سلب توفیق و سوء عقاب و سرانجام ، شک و تردید یا انکار و جحود نشود و خلاصه در یک جمله « اگر با ایمان از دنیا برود » به عذاب ابدی مبتلا نخواهد شد و جهنم برایش ابدی نخواهد بود و گناهان کوچکش به واسطه اجتناب و دوری از گناهان کبیره ، بخشوده شده و گناهان بزرگش به وسیله توبه کامل و مورد قبول پروردگارش ، آمرزیده می گردد و اگر موفق به چنین توبه ای نشد، تحمل گرفتاری ها و مصائب دنیا بار گناهانش را سبک می کند و سختی های برزخ و مواقف آغازین رستاخیز ناخالصی هایش را می زداید و اگر باز هم از آلودگی های گناهان پاک نشد به وسیله ( شفاعت ) که مظهر تجلی بزرگترین و فراگیرترین رحمت الهی در اولیای خدا به ویژه رسول اکرم و اهل بیت گرامیش می باشد ، از عذاب دوزخ نجات خواهد یافت.

به حسب روایات فراوان ، «مقام محمود» که در آیه ۷۹ سوره اسراء " وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا " آمده در قرآن کریم به رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم وعده داده شده ، همین مقام شفاعت است و نیز آیه شریفه "وَلَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ" <sup>۱</sup>. اشاره با آمرزش الهی است که به واسطه شفاعت آن حضرت شامل حال کسانی که استحقاق دارند می شود . بنابر این ، بزرگترین و نهایی ترین امید مؤمنان گنهکار ، شفاعت است ولی در عین حال نباید از مکر الهی ایمن شوند و باید همیشه بیمناک باشند که مبدا کاری از آنها سر زده باشد یا سر بزند که موجب سوء عاقبت و سلب ایمان ، در هنگام مرگ گردد و مبدا علاقه به امور دنیوی و مادی به حدی در دلشان رسوخ پیدا کرده باشد که العیاذ بالله با بغض خدای متعال از این جهان بروند به آن جهت که می بیند اوست که به وسیله مرگ ، بین او و محبوب ها و معشوق هایشان جدایی می افکند . پس یکی از عقاید مسلم در مذاهب اسلامی، شفاعت شافعان در روز قیامت است که به اذن الهی انجام می گیرد. شفاعت در مورد افرادی صورت می گیرد که پیوند خود را به طور کلی بادی خدای متعال قطع نکرده و قابلیت آن را دارند که با وجود آلودگی به بعضی گناهان به برکت شفاعت شافعان، مشمول رحمت حق می شوند. از آنجاکه شفاعت و توسل رابطه تنگاتنگی باهم دارند و در هر دو مورد آن تقرب و نزدیکی به خداوند تبارک و تعالی مدنظر می باشد و خلاصه آنکه طلب شفاعت از پیامبر اکرم (ص) کار مطلوبی است.

<sup>۱</sup>. ضحی آیه ۵



حتی بعد از حیات ایشان هم در طول تاریخ، مسلمانان با الهام از آیات شفاعت و توسل از آن حضرت تقاضای شفاعت می کردند و ایشان را وسیله ای برای تقرب و نزدیکی به خدا قرار میدادند و اکنون هم به آن عمل میکنند و به کرات در قرآن کریم امر شده که انسان مادی نمیتواند بدون وسیله به خدا نزدیک شود حال این وسیله میتواند محبت اولیای خدا باشد یا پیامبران و معصومان، یا میتواند عبادات و کارهای نیک مثل نماز و حج و اعمال خیر باشد. بنابراین با استناد به آیات و روایات مطالبی را هم پیرامون شفاعت توضیح خواهم داد و لازم است یادآوری کنم که مقصود از مذاهب اسلامی، مذاهب فقهی اسلامی نیست بلکه مذاهب کلامی است که عبارتند از اشاعره، معتزله، شیعه و حتی مرجئه.

## ۱. تبیین مساله:

شفاعت یکی از اموری است که ما آن را برای رسیدن به مقصود به کار بسته و از آن کمک می‌گیریم و اگر موارد استعمال آن را آمار گیری کنیم خواهیم دید که به طور کلی در یکی از دو مورد زیر از آن استفاده می‌کنیم، یا در مورد جلب منفعت و خیر آن را به کار می‌بندیم و یا در مورد دفع ضرر و شر، البته نه هر نفعی و نه هر ضرری، چون ما هرگز در نفع و ضررهایی که اسباب طبیعی و حوادث آن را تأمین می‌کند از قبیل گرسنگی، عطش، حرارت، سرما، سلامتی و مرض متوسل به شفاعت نمی‌شویم و توسل ما به اسباب غیر طبیعی و شفیع قرار دادن آن‌ها، تنها در خیرات و شروری است که اوضاع قوانین اجتماعی و احکام حکومت یا به طور خصوص و عموم یا به طور مستقیم و غیر مستقیم پیش می‌آورد. چون در دایره حکومت از یک سو و عبودیت و اطاعت از سوی دیگر در هر حاکم و محکومی احکامی از امر و نهی هست که اگر محکوم و رعیت به آن عمل کند آثاری از قبیل مدح زبانی و یا منافع مادی از جاه و مال در پی دارد و اگر با آن مخالفت نموده و از اطاعت سرپیچی کند آثاری از قبیل مذمت زبانی و یا ضرر عادی و معنوی در پی دارد بنابر این اگر انسانی بخواهد به کمال و خیری برسد متوسل به شفاعت می‌شود. به عبارتی روشن تر اگر شخصی بخواهد به ثوابی برسد که اسباب آن را تهیه ندیده و از عتاب و مخالفت تکلیفی خلاص گردد بدون آن که تکلیف را انجام دهد، در اینجا متوسل به شفاعت می‌گردد و شفیع عاملی از عوامل مربوط به مورد شفاعت و مؤثر در رفع عقاب را به عاملی دیگر غلبه می‌دهد حال آن‌که عامل یا صفتی از صفات مولاست یا صفتی از صفات عبد است یا از صفات خودش.

پس یکی از اصول مسلم اسلامی، شفاعت شافعین در روز قیامت است. شفاعت آنانی که نزد خداوند آبرومندند و صاحب قوه و قدرتند تا دست ضعیفی را که افتاده است بگیرند و بلند نمایند و شفاعت گاهی اسیر جهنمی را که گرفتار است از غل و زنجیر دوزخ و عذاب بیرون می‌آورد و گاهی درجه شخص بهشتی را بالاتر می‌برد.

ابوایمن به امام باقر علیه السلام گفت ای اباجعفر، شما مردم را می‌فریبیدومی گوید شفاعت محمد شفاعت محمد. حضرت چنان ناراحت شد که رنگ چهره اش تیره گشت و فرمود: وای بر ت ای ابوایمن! داشتن عفت شکم و شهوت، تورافریفته است؟! اگر صحنه های هول انگیز قیامت را ببینی حتماً به شفاعت محمد صلی الله

علیه وآله وسلم نیاز پیدا خواهی کرد. وای بر تو، آیا شفاعت جز برای کسی است که مستوجب آتش باشد؟  
آنگاه فرمود: هیچ کس از اولین و آخرین نیست مگر آن که در روز قیامت به شفاعت محمد صلی الله علیه و  
آله وسلم نیازمند است.<sup>۱</sup>

## ۲. ضرورت بحث:

باتوجه به ضرورت مبحث شفاعت می توان به دلایل زیر اشاره کرد:

### یک. حکمت شفاعت

نخست باید دانست از ویژگی های انسان آن است که اگر از دستورات خداوند متعال نافرمانی کند به طور  
طبیعی احساس جدایی می کند هرچند راه توبه باز است و به طور مستقیم می تواند از خداوند آمرزش  
بخواهد. بسیاری از افراد از نافرمانی خود شرمند بوده و از توبه شکستن احساس ناامیدی می کنند لذا از  
آنجا که تمام افعال خداوند بر اساس حکمت و مصلحت استوار است، گشودن باب شفاعت به روی گنهکاران  
با شرایط خاص بر همین اساس است. بعضی از حکمتها در زمینه شفاعت عبارت است از:

### ۱-۲. ایجاد روزنه امید و مبارزه با روح یأس:

در بسیاری از موارد پیش می آید که غلبه هوای نفس، سبب ارتکاب گناهان مهمی می شود و به دنبال آن روح  
یأس و ناامیدی بر کسانی که مرتکب آن گناهان شده اند غلبه می کند و این یأس آنها را به آلودگی بیشتر و  
غوطه ور شدن در گناهان سوق می دهد زیرا آنها فکر می کنند آب از سرشان گذشته است بنابر این چه یک  
وجب باشد و چه صد وجب، فرقی نمی کند. اعتقاد به شفاعت، پدید آورنده روزنه امید در دل گنهکاران  
است. به هر حال هر انسانی در طول زندگی خود گرفتار گناهان و لغزش هایی می شود. اعتقاد به شفاعت  
سبب می شود که فرد گنهکار امیدوار باشد که گناهان برای او سرنوشت قطعی و غیر قابل تغییر رقم نزده  
است و او می تواند با جلب رضایت خداوند از طریق اجتناب از گناه و عمل به دستورات او و هم سنخ شدن با  
اولیای الهی، ابواب رحمت و مغفرت الهی را تا روز قیامت به روی خود باز نگه دارد و از شفاعت آنان بهره  
مند گردد.

اگر انسان گنهکار معتقد باشد که گناهان گذشته او یا لغزش های احتمالی اش برای او سرنوشت قطعی  
نامطلوبی پدید می آورد و به هیچ وسیله ای نمی توان آن را تغییر داد؛ ممکن است دچار یأس و ناامیدی  
شده و روزبه روز بار گناه خود را سنگین تر کند و چنین بیندیشد: دیگر چه سود که نیمه باقی مانده عمرم

---

۱. بحار الانوار/ ج ۶/ ص ۴۸۰

را با رنج طاعت همراه سازم و از لذت گناهان چشم ببوشم . شفاعت دری از رحمت الهی است که به سوی انسان گشوده شده تا او را از خطر یأس و ناامیدی نجات دهد و به آینده امیدوار سازد .

## ۲-۲. تشویق به انجام وظایف :

نوید به شفاعت و قرار دادن شروطی برای آن ، سبب می شود انسان تلاش و سعی خود را در جهت تحصیل آنها به کار بندد زیرا شفاعت تنها شامل حال کسانی می شود که در دنیا با انجام دادن وظایف و دستورات الهی ، رشته پیوند خود را با خدا و اولیای الهی محکم کنند یعنی بر خلاف گمان عده ای که اعتقاد به شفاعت را موجب جرأت افراد بر گناه و سر باز زدن از مسؤولیت می دانند ، شفاعت عاملی برانگیزاننده در جهت عمل به وظایف و ترک گناهان و ایجاد رابطه با خدا و اولیای الهی است .

## ۲-۳. شفاعت پاداش صالحان

در بیان یکی از حکمت های شفاعت آمده است : « شفاعت هدیه و جایزه ای است برای کسانی که عقیده و عمل آنان در دنیا مورد رضایت خداوند بوده است» این سخن باتوجه به شرایط شفاعت روشن تر می شود ، زیرا میان کسی که توشه ای جز مخالفت ، عصیان و کفر نسبت به خداوند ندارد فرق است با کسی که سعی و تلاش او در جهت جلب رضایت خدا و حرکت در مسیر او بوده، لکن گاهی هم دچار خطا و لغزش شده است . شفاعت هدیه و جایزه ای به چنین انسان هایی است تا به سبب عقیده و عمل نیک آنها ، لغزش ها و گناهانشان بخشوده شود.

## دو. حکمت وساطت اولیای خدا

گزینش بندگان صالح به عنوان سبب و واسطه فیض بر اساس حکمت و مصالحی است :

## ۲-۱. بزرگداشت اولیای الهی

برگزیدن اولیای الهی به عنوان واسطه های فیض مغفرت ، در حقیقت نوعی تکریم و تجلیل از کسانی است که تمام عمر خود را در مسیر عبودیت و بندگی حضرت حق و جلب رضایت او به کار بسته اند ، به همین جهت هرکس در درگاه الهی مقرب تر باشد از شفاعت بیشتری برخوردار خواهد بود . همه مؤمنان ، شهیدان ، عالمان ربانی ، اوصیا ، ملائکه ، امامان معصوم علیهم السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم شفاعت می کنند لکن میزان شفاعتشان یکسان نیست . امام باقر علیه السلام در مورد شفاعت می فرمایند : « مؤمن به اندازه عمل خود شفاعت می کند یا برای دو نفر، یا برای خانواده اش و یا برای قومش» پس تکریم اولیای

الهی به میزان درجه عبودیت و بندگی آنان است، هر اندازه شفیعان از مرتبه بالاتری از قرب برخوردار باشند میزان شفاعت و تکریم آنان بیشتر است.

## ۲-۲. اثر سازنده در هدایت مردم

قرار دادن اسوه های هدایت همچون پیامبران، اوصیا، عالمان و شهیدان به عنوان شفیعان روزستاخیز، موجب می شود که آنان هرچه بیشتر در کانون توجه و اقبال مردم قرار گیرند. مشروط کردن شفاعت به وجود رابطه معنوی و هم سنخی عقیدتی و عملی میان شفیعان و شفاعت شوندگان، موجب الگوگیری از ایشان می شود و نقش تربیتی مهمی را در سعادت و رستگاری انسان ها دارد. مسلماً کسی که امید به شفاعت دارد سعی می کند به نوعی این رابطه را برقرار سازد و کاری که موجب رضایت آن هاست انجام دهد و پیوند های محبت و دوستی را تا آخر ادامه دهد. در روایات نیز بر محبت پیامبر اکرم و امامان معصوم علیهم السلام و نقش آنان در شفاعت تأکید شده است. زیرا محبت و پیوند عاطفی، سبب شیفتگی و همگونگی با آنان در عقاید و راه و روش عملی است.

## ۲-۳. تجلی رابطه دنیوی :

همان گونه که اعمال در آخرت تجسم می یابد، روابط نیز مجسم خواهد شد. شفاعت اولیای الهی، در حقیقت جلوه گری رابطه معنوی و هم سنخی روحی شفیعان و شفاعت شوندگان است. اینان کسانی اند که در زندگی دنیوی تحت تاثیر هدایت گری اولیای الهی قرار گرفته و با آنان در مسیر اطاعت و بندگی خداوند هم عقیده و همراه بوده و به درجه ای از همراهی و همرازی با آنان رسیده اند.

## پیشینه بحث:

همانطور که گفته شده این موضوع قبل از دین اسلام در میان ملل و نحل مطرح بوده است. اما موضوع شفاعت در میان مسلمانان، تا قرن ها بعد از عصر حضور ائمه معصومین مورد اتفاق مسلمین بود و تنها اختلاف در معنای شفاعت بود، که آیا شفاعت موجب علو درجات و زیادی ثواب می گردد کما این که معتزله به آن اعتقاد داشتند یا اینکه موجب سقوط عذاب از مشفوع له (اعم از دفع به تنهایی یا دفع و رفع با همدیگر) می شود. از قرن هشت هجری این موضوع توسط ابن تیمیّه مورد انکار قرار گرفت و سه قرن بعد محمد بن عبدالوهاب ضمن قبول شفاعت و حرمن استشفاع از اولیاء الله در دنیا، راه ابن تیمیّه را ادامه داد.

متکلمان شیعی در کتاب‌های خود هم نسبت به اصل موضوع شفاعت در آخرت و هم نسبت به شیوه عملکرد شفاعت در آخرت، هر کدام با روشهای نقلی یا عقلی، آرائی اظهار داشته‌اند.

حکیم عبدالرزاق لاهیجی می‌فرماید: "وقوع شفاعت اجماعی است و خلافی در آن نیست. لیکن خلاف است که شفاعت به معنی طلب زیادتی ثواب است برای مستحقان ثواب- کما هو ذهب معتزله- و یا به معنی طلب اسقاط عقاب از برای مستحقان عقاب- کما هو مذهب غیرهم- است" و حق معنی دوم است. چه اگر شفاعت حقیقت می‌بود در طلب ازدیاد ثواب درجات حضرت پیغمبر (ص) می‌توان گفت که ما شفاعت پیغمبر (ص) می‌کنیم، و شک نیست در امتناع این اطلاق. پس شفاعت به این معنی نتواند بود، بلکه به معنی دوم باشد و حقیقت در آن. و لقوله (ص) «ذخرت شفاعتی لاهل الکبائر من امتی» و این خبری است که جمیع امت آن را تلقی به قبول نموده‌اند و در حکم متواتر است. و ظاهر است که اگر شفاعت به معنی طلب ازدیاد منافع می‌بود تخصیص به اهل کبائر وجهی نداشت، به سبب آن که چون احباط باطل است نتوان گفت که ثواب اهل کبائر زائل است یا کمتر و احتیاجشان به ازدیاد ثواب بیشتر، چه بسا که صاحب کبیره طاعاتش از مومن خالی از گناه بیشتر باشد و ثوابش بسامان‌تر، پس تخصیص اهل کبائر نتوان بود مگر بنابر حاجتشان به اسقاط عقاب ( سرمایه ایمان، ص ۱۷۰-۱۶۹).

در مورد شیوه و سبک برخورد با اصل مساله شفاعت عمدتاً به دو صورت نقلی یا عقلی با آن برخورد شده است. استاد شهید مطهری نیز در این مورد سعی بلیغی به کاربردن تابتوانند در کتاب عدل الهی این مساله را نه از نظر نقلی، بلکه از جنبه عقلی و به روش فلسفی خوب تبیین نماید. ایشان روشی را که خواجه نصیرالدین طوسی در این مساله دنبال کرده، نپسندیده و نوشته است. برخی از حکماء مانند خواجه نصیرالدین طوسی در نوشته‌های خود به سبک متکلمان وارد و خارج شده‌اند، اما اگر آراء حکمی آنها را ملاک قرار دهیم باید بگوییم غرضشان بیان افناعی و خطابی بوده، نه برهانی.

#### ۴-سوالات و فرضیه‌ها:

برای روشن شدن مبحث شفاعت در ابتدا باید به فرضیه‌هایی که در این رابطه مطرح شده است جواب داد از جمله:

۴-۱ شفاعت انبیاء و امامان چه ضرورتی دارد؟

۴-۲ چه کسانی در روز قیامت مورد شفاعت قرار می‌گیرند؟

۴-۳ آیا پناه‌یون شفاعت را قبول دارند یا خیر؟

## ۵- روش کار و تحقیق:

روش کار اینجانب در واقع متشکل از روش کتابخانه‌ای، یعنی استفاده از کتب حدیثی موجود در کتابخانه ها و دیگر منابع موجود می باشد نظیر:

۵-۱ قرآن کریم

۵-۲ نهج البلاغه

۵-۳ تفاسیر المیزان، کشاف، نور، التبیان فی تفسیر القرآن و ...

۵-۴ کتب شفاعت و توسل، التوصل الی حقیقه التوسل، الشفاعه عند اهل السنه، کشف الشبهات المنار و دیگر کتابهای موجود.

همچنین با مراجعه به سازمانها و نهاد های نظیر سازمان تبلیغات اسلامی و فرهنگ و ارشاد و تحقیق و تفحص درباره فرقه های ضاله و انحرافی و همچنین تحقیق پیرامون مذاهب چهار گانه اهل سنت و مکاتب کلامی اشاعره و معتزله و نقد و بررسی دیدگاههای آنها و نقد و پاسخ شیعه به آن درباره بسیاری از سوالاتی که حول محور شفاعت بود به پاسخ های قانع کننده ای دست یافته ام و دیدگاه علمای شیعه و سنی را با استفاده از چنین منابع و ماخذی مورد بررسی قرار دادم.

## شفاعت از نظر لغوی و اصطلاحی

### معنای لغوی شفاعت :

در کتاب لسان العرب ابن منظور درباره معنای لغوی شفاعت تعریف بسیار جالبی بیان شده است، شفاعت از ریشه « شفع » به معنای جفت و زوج بوده است و برگرفته از « ضَمُّ الشَّيْءِ إِلَى مِثْلِهِ » است و نقطه مقابل آن « وتر » به معنای فرد و تک و تنهاست ، سپس به ضمیمه شدن فرد برتر و قوی تری برای کمک به فرد ضعیف اطلاق گردیده است ، در واقع مثل این که شخص شفاعت کننده با وسیله ناقصی که شخص شفاعت خواهنده دارد ضمیمه می شود و تشکیل یک زوج را می دهند که با آن می تواند به مقاصدی که قبلاً بر اثر ضعف و قصور نمی رسیده است، برسد .

شفاعت در محاورات عرفی و گفت و گوی روزمره مردم ، غالباً به معنای وساطت و درخواست شخص آبرومندی از بزرگی برای عفو مجرمی یا ترفیع درجه و پاداش خدمتگزاری به کار می‌رود ، در حقیقت شخصی که متوسل به شفیع می‌شود نیروی خود را به تنهایی کافی نمی‌بیند و به این جهت نیروی خود را با نیروی شفیع ضمیمه می‌کند و در نتیجه آن را مضاعف نموده تا به آنچه می‌خواهد نائل شود .

## معنای اصطلاحی شفاعت

شفاعت در اصطلاح عبارت است از وساطت یک مخلوق میان خداوند و مخلوقی دیگر چه در دنیا و چه در آخرت ، چه وساطت در خیر و نفع چه وساطت در دفع شر و ضرر .

یکی از مظاهر رحمت واسعه خداوند ، مغفرت و آمرزش است . مغفرت و آمرزش الهی مانند هر رحمت دیگر خداوند از طریق مجاری خاص و بر اساس قانون و نظام اسباب و مسببات به بندگان می‌رسد . همان گونه که رحمت و هدایت الهی از طریق واسطه به مردم می‌رسد و انبیاء و وحی و کتاب های آسمانی که برای هدایت مردم فرستاده شده اند ، واسطه خروج از ظلمات به نور هستند، رحمت مغفرت و آمرزش الهی نیز از طریق مجاری خاصی به مردم می‌رسد یعنی فیض مغفرت الهی نیز از قانون و نظام اسباب و مسببات مستثنی نیست و از طریق اسباب و وسایل به بندگان می‌رسد . به تعبیر دیگر « شفاعت » همان سبب بودن و تأثیرگذاری اسباب بر طبق نظام حاکم بر عالم هستی است و در حقیقت در نگرش توحیدی ، فیض الهی وقتی به واسطه ها نسبت داده می‌شود «شفاعت» است .

سبب بودن جمیع علت ها و اسباب طبیعی ( همچون سوزندگی آتش ، روشنی و حرارت بخشیدن خورشید، درخشندگی ماه ) و نیز سببیت و تأثیرگذاری علل معنوی ( مانند سبب بودن توبه و استغفار برای آمرزش گناهان و نقش پیامبران و کتاب های آسمانی در جهت هدایت انسان ها ) همگی شفاعت نامیده می‌شود . این اسباب و علت های طبیعی و معنوی ، شفیعان و واسطه های فیض الهی اند . شفاعت در مغفرت عبارت از وساطت در رسیدن مغفرت و آمرزش الهی به بندگان گنهکار است بنابراین حقیقت شفاعت ، رسیدن فیض مغفرت و آمرزش الهی از طریق مجاری و اسباب آن به بندگان است .

به تعبیر استاد شهید مطهری (ره) شفاعت ، " در حقیقت همان مغفرت الهی است که وقتی به خداوند که منبع و صاحب خیرها و رحمت هاست ، نسبت داده می‌شود ، با نام مغفرت خوانده می‌شود و هنگامی که به وسایل و مجاری رحمت منسوب می‌گردد ، نام شفاعت به خود می‌گیرد<sup>۱</sup> . بنابر این در شفاعت، شفیع میان خداوند و بونده گنهکار واسطه می‌شود و سبب می‌شود که آمرزش و مغفرت الهی شامل حال انسان

۱. مجموعه آثار شهید مطهری ج ۱ ص ۲۵۹



گنهکار بشود، البته ممکن است این شفاعت در دنیا باشد مانند شفاعت توبه و ممکن است در آخرت و روز رستاخیز باشد مانند شفاعت اولیای الهی برای گنهکاران در روز قیامت<sup>۱</sup>.

## دیدگاه علمای شیعه در موضوع شفاعت

### یک. علمای قدیم

#### ۱. اعتقاد ابن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق (ره)

ایشان می گوید: اعتقاد ما در باب شفاعت این است که آن حق است و شفاعت برای کسی است که خدا از صاحبان گناهان کبیره و صغیره، دینش را پسندیده باشد و اما توبه داران از گناهان محتاج به شفاعت نیستند و فرموده اند: هر که ایمان نیاورد به شفاعت من، خداوند شفاعت مرا نصیبش ننماید و فرمودند: هیچ شفاعت کننده ای مقبول تر از توبه نیست و رتبه شفاعت برای انبیاست و اولیا و اوصیا و مؤمنین و ملائکه و بعضی از مؤمنین شفاعت می نمایند مثل ربیعه و مضر که دو قبیله بزرگ عرب هستند. آن مؤمنی که کمتر شفاعت می کند، سی نفر را شفاعت می نماید و شفاعتی نمی باشد برای اهل شک و شرک و نه برای اهل کفر و انکار بلکه خاص گنهکاران اهل توحید است<sup>۲</sup>.

#### ۲. اعتقاد شیخ الطائفه محمدبن الحسن الطوسی (ره)

بانگاهی گذرابه بیوگرافی این عالم شیعی، به بیان دیدگاه ایشان پیرامون بحث شفاعت می پردازیم. محمدبن حسن طوسی معروف به شیخ طوسی از علمای شیعی ایرانی در قرن پنجم و معاصر سلجوقیان، حکومت آل بویه، شیخ صدوق، فردوسی، شیخ مفید و سید مرتضی بوده است. آثار ایشان به ۵۱ جلد می رسد که از آن جمله است: - تهذیب الاحکام والاستبصار در حدیث. - الابواب معروف به رجال شیخ طوسی در علم رجال و دهها کتاب دیگر. نظر ایشان این است که می گویند شکی نیست که پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم می تواند برای گنهکاران خواهان درگذشتن از گناهانشان گردد و او هم خواستار آن خواهد شد.

پس باید بدون شک باور کنیم که درگذشتن از گناه کسی که سزاوار شکنجه شدن است و از گروه نمازگزاران می باشد، روا خواهد بود. ضمن اینکه باید باور کنیم که خواستار درگذشتن از گناهان برای گروهی که اکنون شناخته نیستند از پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم سر خواهد زد زیرا می دانیم خواهان گذشت کردن از گناه، از پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم سر خواهد زد.

<sup>۱</sup> شفاعت و توسل ص ۳۰ و ۳۴

<sup>۲</sup> ترجمه اعتقادات شیخ صدوق ص ۹۶-۹۷

دلیلی که می‌رساند این خواهش پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به راستی باعث از کار انداختن زیانها می‌باشد این است که این عمل از سه چیز بیرون نیست: یا به راستی جواز میان بردن زیان چیزی دیگر نیست، یا به راستی سود رساندن است نه چیز دیگر، و یا آنکه هر دورا فرامیگیرد.

ایشان در ادامه می‌گویند: چنانچه ما بپذیریم که خواستار شدن، در از کار انداختن زیان و بیشتر کردن سودها هر دو به کار می‌رود، آن را به از کار انداختن زیان نسبت می‌دهیم زیرا پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: (إِدْخَرْتُ شَفَاعَتِي) شفاعت را برای گناهکاران مسلمان اندوختم و در حدیث دیگری می‌فرماید: (اعْدَدْتُ شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ) شفاعت خودم را برای کسانی که گناهان بزرگ می‌کنند، آماده گردانیدم و این سخن در آنچه ما گفتیم آشکار است و گروه‌های مسلمان این حدیث را به پذیرفته‌اند و کسی نمی‌تواند بگوید این حدیث از خبرهای آحاد است.<sup>۱</sup>

### ۳. اعتقاد خواجه نصیرالدین محمد طوسی (ره)

محمد طوسی ملقب به خواجه نصیرالدین طوسی، فیلسوف، فقیه، متکلم، دانشمند، ریاضیدان و سیاستمدار ایرانی شیعه در قرن هفتم می‌باشد. به اعتقاد ایشان عقیده به شفاعت از عقاید صحیح اسلامی است و اجماع بر آن است خواه به منظور افزایش پاداش باشد و خواه برای اسقاط کیفر. بعضی‌ها می‌گویند حقیقت شفاعت فقط طلب زیادی منافع است و علامه حلی در شرح بطلان این نظریه می‌گوید: اگر شفاعت زیادی منافع باشد پس صلواتی که ما بر پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرستیم شفاعت پیغمبر حساب می‌شود. زیرا با این صلوات، رحمت خدا به پیغمبر می‌رسد پس ما شافع پیغمبر می‌شویم در حالی که اینچنین نیست، پس شفاعت درخواست زیادی منفعت نیست.

بعضی دیگر هم می‌گویند شفاعت برای دفع ضرر از جهنمیان است، ولی به نظر خواجه شفاعت هر دو موردش را شامل می‌شود یعنی هم دفع ضرر و هم جلب منفعت به خاطر حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم که فرمودند: (ادخرت شفاعتی لأهل الكبائر من امتی) ذخیره کردم شفاعتم را برای کسانی که از امتم گناهان کبیره انجام داده‌اند. ایشان می‌فرماید: نفع مطاعی که در آیه شریفه (ولا شفیع یطاع)<sup>۲</sup> آمده است نفی اصل شفاعت نیست بلکه شفیع که زبردست باشد و فرمانروایی کند را نفی می‌کند، چرا که مالک روز قیامت فقط خداست و نفی مطاع مستلزم نفی مجاب نیست. ممکن است شفیعانی در روز قیامت باشند که زبردست و اجابت شونده باشند و این امکان با ادله نقلی دیگر به یقین تبدیل می‌شود.

<sup>۱</sup>. تمهید الاصول در علم کلام اسلامی ص ۵۹۵-۵۹۸  
<sup>۲</sup>. غافر/ ۱۸

#### ۴. اعتقاد فاضل مقدار(ره)

در مورد مقدار فاضل رحمه الله عليه دانشمندان دیگر شیعه باید گفت که، ایشان معتقد است کسی که مرتکب کبائر معاصی شده است ناچار معاقب خواهد بود مگر از دو راه: اول به وسیله عفو الهی : زیرا عفو او مورد امید و توقع بندگان است مخصوصاً آنکه خود به آن وعده داده است می فرماید : « و هو الذی یقبل التوبه عن عباده و یعفو عن السيئات ... فیما کسبت ایدیکم و یعفوا عن کثیر<sup>۱</sup> ». « ان الله لا یغفر عن یشرک به و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء<sup>۲</sup> ». « وان ربک لذوا مغفرة للناس علی ظلمهم وان ربک لشدید العقاب<sup>۳</sup> ».

با تخلف از وعده از شخصی که جواد مطلق است ، پسندیده نباشد و خود او توصیف می کند خود را به عنوان « غفور و رحیم » و عفو در مورد صغائر از ذنوبی است و نه در مورد معاصی کبیره ای که بعد از توبه کردن باشد زیرا اتفاقی است که آنان معاقب نمی شوند پس عفو در این صورت بی فایده خواهد بود و منحصر می شود مورد عفو به گناهان کبیره ای که از آن ها توبه نشده است. دوم : شفاعت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم است : زیرا شفاعت آن حضرت مورد توقع مسلمین و بلکه در خارج واقع است. چنانکه می فرماید :

« واستغفر لذنبک و للمؤمنین والمؤمنات والله یعلم متقلبکم<sup>۴</sup> » پس کسی که مرتکب کبیره شده است مؤمن است ، زیرا ایمان عبارت است از تصدیق و او تصدیق دارد خدا و رسول او را و اقرار دارد به همه آنچه پیغمبر اکرم آورده است و اعمال صالحه جزء مفهوم ایمان نیست ، زیرا اعمال صالحه عطف شده است به فعل ایمان در آیات « الذین آمنوا و عملوا الصالحات » که مکرراً در قرآن مجید ذکر شده است و عطف شدن علامت مغایرت و اختلاف طرفین عطف باشد .

پس چون در آیه گذشته به استغفار برای مؤمنین امر شده است ، لابد به موجب اطاعت از امر استغفار صورت گرفته است. زیرا ترک آن ترک امر و خود عصیان و خلاف شمرده می شود و استغفار رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم که برای امت صورت می گیرد ، ناچار در پیشگاه پروردگار متعال به اجابت خواهد رسید و اجابت موجب خشنودی و رضای رسول خدا خواهد شد « ولسوف یعطیک ربک فترضی<sup>۵</sup> ».

۱. شوری / ۲۵ - ۳۰

۲. نساء / ۱۱۶

۳. رعد / ۶

۴. محمد / ۱۹

۵. ضحی / ۵

مضاف بر آن از رسول اکرم روایت شده است که : « ادخرت شفاعتی لأهل الكبائر من امتی » و اعتقاد ما این است که حضرات ائمه علیهم السلام درباره گنهکاران از شیعیان خود مانند رسول اکرم شفاعت می کنند، زیرا آنان خبر داده اند به این امر و عصمت آنان مانع است که بر خلاف صدق سخن گویند.

## دو - علمای معاصر و جدید

### ۱. علامه سید محمدحسین طباطبایی (ره)

ایشان معتقدند، شفاعت همانطور که از معنای اجمالی آن که از اجتماع درک کرده ایم، پیداست از اموری است که برای رسیدن به مقاصد و نیل به احتجاجات زندگی از آن استفاده می شود و در اصل از « شفیع » یعنی جفت گرفته شده، در واقع مثل اینکه شخص شفاعت کننده با وسیله ناقصی که شخص شفاعت خواهنده دارد ضمیمه می شود و تشکیل یک زوج را میدهد که با آن می تواند به مقاصدی که قبلاً در اثر ضعف و قصور وسیله نمی رسیده است برسد .

در هر حال قالب مواردی که شفاعت در آن به کار می رود، یا مواردی است که شخص می خواهد جلب منفعت و خیری کند و یا مواردی است که می خواهد دفع ضرر و یا شری از خود کند. ولی البته نه هر نفع و ضرری، زیرا در مواردی که اسباب طبیعی ایجاب خیر و شر و یا نفع و ضرری را مانند گرسنگی و تشنگی و گرما و سرما و تندرستی و مرض می کنند ما هرگز شفاعت نمی طلبیم، بلکه به دنبال اسباب طبیعی آن می رویم و مثلاً به خوردن و آشامیدن و لباس و پوشش و مداوا متوسل شده و به مقصود خود نائل می شویم. ما فقط در سود و زیان ها و خیر و شرهایی که از ناحیه اجرای قوانین عمومی یا خصوصی اجتماع به ما متوجه می شود، شفاعت می طلبیم. توضیح این که: میان مولا و بنده و هر حاکم و محکومی، احکامی وجود دارد که اگر به آن عمل شود و امتثال گردد مستوجب پاداش خواهد بود حال گاهی این پاداش مدح و تمجید است و گاهی منافع مالی یا مقامی و به عکس اگر شخص مکلف از آنها سرپیچی کرده و مخالفت نماید مستوجب کیفر و مجازات می شود که گاهی تنها مذمت و توبیخ است و زمانی هم ضرر مادی یا معنوی.

بنابر این در باب احکام دو نوع قرار داد است : یکی قرارداد اصل حکم و دیگری قرارداد تبعات و نتیجه حکم که با آن پاداش موافقت و کیفر مخالفت تعیین می گردد . این یک اصل مسلم است که در جمیع انواع حکومت های عمومی در میان ملت ها و حکومت های خصوصی افراد نسبت به زیردستان آن ها حکم فرماست .

حال اگر کسی بخواهد به یک کمال و خیر مادی یا معنوی برسد ولی اسباب اجتماعی را که مستوجب آن و معرفت لیاقت اوست نداشته باشد و یا این که بخواهد کیفر و مجازاتی که بر اثر مخالفت متوجه او شده از